



## در ازدواج سن عقلی مهم است یا سن شناسنامه ای؟

در بررسی سن ازدواج باید توجه داشته باشیم که فقط سن تقویمی و شناسنامه ای برای ما مهم نیست بلکه وقتی صحبت از سن ازدواج می شود، ما به سن عقلی و سن عاطفی زوج موردنظر توجه می کنیم...

سلامت نیوز: در بررسی سن ازدواج باید توجه داشته باشیم که فقط سن تقویمی و شناسنامه ای برای ما مهم نیست بلکه وقتی صحبت از سن ازدواج می شود، ما به سن عقلی و سن عاطفی زوج موردنظر توجه می کنیم...

البته فردی که سن تقویمی یا شناسنامه ای مثلا ۲۵ سال دارد از نظر عقلی، شناختی و عاطفی باید در حد ۲۵ ساله ها باشد ولی احتمال دارد که این گونه نباشد. یعنی در بعضی مواقع ما شاهد این موضوع هستیم که فردی از نظر شناسنامه ای، سن پایینی دارد اما از نظر عاطفی و شناخت اجتماعی در سطح بالایی است و به قولی بزرگ تر از سنش رفتار می کند؛ گاهی حتی یک خانواده را نیز مدیریت می کند. بعضی افراد هم نسبت به سن شناسنامه ای شان پختگی لازم را نداشته و مانند کودکان رفتار می کنند مثلا مرتب شغلشان را تغییر می دهند و هدف مشخصی در زندگی ندارند.

پس یادمان باشد در ازدواج سن عقلی، عاطفی و شناختی مطرح است. حال بر فرض اینکه زوجین تناسب لازم را با هم دارند، باز بهتر است ۳۴ سالگی مرد بزرگ تر از زن باشد که البته دلایل متعددی برای این کار وجود دارد. اول اینکه خانم ها زودتر از آقایان به سن بلوغ می رسند. به همین دلیل رشد اجتماعی شان زودتر آغاز می شود و به عنوان یک زن زودتر در جامعه دیده و پذیرفته می شوند و نقش های متعددی را بر عهده می گیرند. به خصوص اینکه با تغییر صفات ثانویه جنسی، نگاه جامعه هم به آنها تغییر می کند و دیگر مانند یک دختر بچه با آنها رفتار نمی شود. در صورتی که پسرها دیرتر به سن بلوغ می رسند و از نظر اجتماعی نیز دیرتر به عنوان یک مرد شناخته می شوند. این امر باعث می شود مردها هم دیرتر نقش خود را در اجتماع باور کنند.

دوم اینکه با توجه به مسایل فرهنگی کشور ما، بسیاری از مردها تمایل زیادی ندارند که از طرف همسرشان مورد راهنمایی، سرزنش، شتمات و مشاوره قرار بگیرند. بنابراین وقتی خانمی از شوهرش بزرگ تر باشد، ممکن است آگاهی ها و دانش او از همسرش بیشتر باشد. این امر در برخی مواقع تاثیراتی منفی دارد و مرد نمی تواند این رفتار را تحمل کند. از طرف دیگر آمارهای طلاق در این شرایط نشان می دهد که بسیاری از جدایی ها در سنین بالا رخ می دهد و این امر درست در زمانی است که خانم ها به سن یائسگی می رسند.

این موضوع می تواند هم از نظر بچه دار شدن و هم از نظر مسایل جنسی تاثیرات خاصی بر زندگی فرد داشته باشد. شوهران جوان، از نظر جنسی فعال تر از همسران میان سالشان هستند. این امر در مردانی که از نظر معنوی، اجتماعی و شناخت اجتماعی درک بالایی ندارند، ممکن است به بروز رفتارهایی منجر شود که می تواند پایه های زندگی را به شدت سست کند. این عده از آقایان از اعتماد به نفس کمتری برخوردارند و ترجیح می دهند با زنان بزرگ تر از خود ازدواج کنند؛ به خصوص اگر خانم ها از نظر اقتصادی در وضعیت خوبی هم باشند.

عده ای از آقایان هم در کودکی ناکامی هایی را نسبت به دریافت حمایت مادرانه داشته اند و به طور ناخودآگاه به سمت خانم هایی می روند که سنشان بالاتر است. اصطلاحا او را به عنوان مادر در نظر می گیرند و نه به عنوان همسر. عده ای از آقایان هم که اختلال شخصیت دارند، قدرت تصمیم گیری ندارند و منتظرند دیگران برای آنها تصمیم بگیرند. در حقیقت آنها خواهان این هستند که خود را پشت سر دیگران پنهان کنند. این گروه از مردان، بیشتر به سمت ازدواج های این چنینی می روند. برخی انتخاب ها هم به نوعی ناخودآگاه است.

ما افراد بسیاری را دیده و بررسی کرده ایم که با خانم هایی ازدواج می کنند که شبیه جوانی مادرشان است در حقیقت آنها زنی را انتخاب می کنند که شبیه فردی است که در دوران کودکی آنها را حمایت کرده و مورد محبت قرار داده است. نکته آخر اینکه ۲ گروه از خانم ها بیشتر مورد توجه گروهی خاص از آقایان قرار می گیرند؛ خانم هایی که چهره های کودکانه داشته باشند یا زن هایی که چهره هایی پخته و مادرانه دارند. معمولا هر ۲ گروه این افراد دچار مشکلات زناشویی و خانوادگی می شوند. تنها کسانی در زندگی موفق

هستند که انتخابشان براساس انتخابی عاقلانه و شناخت کامل باشد.

دکتر حسین ابراهیمی مقدم  
مشاور خانواده و مدرس دانشگاه